

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

منبع ما

برگردان: مجله جنوب جهانی

فرستنده: عثمان حیدری

۰۷ جون ۲۰۲۵

آیا غنی‌سازی مشترک می‌تواند گره هسته‌ای امریکا و ایران را باز کند؟



به نظر می‌رسد یک کنسرسیوم منطقه‌ای برای هر دو طرف جذاب باشد، اما نکته کلیدی این است که از خطوط قرمز اعلام شده فاصله بگیریم.

در نشانه‌ای از امید به دیپلماسی به جای جنگ، امریکا و ایران در ماه اپریل، برای اولین بار از زمانی که دونالد ترامپ هفت سال پیش امریکا را از توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵ خارج کرد، وارد مذاکرات جدی و سطح بالا درباره برنامه هسته‌ای غیرنظامی ایران شدند.

آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر ایران، به تیم مذاکره‌کننده خود اختیارات کامل داده است، اما با یک محدودیت قاطع: آن‌ها نمی‌توانند «برچیدن کامل زیرساخت هسته‌ای ایران» را مذاکره کنند. خط قرمز خامنه‌ای درباره عدم مذاکره بر سر حق غنی‌سازی اورانیوم برای مقاصد غیرنظامی آنقدر قاطع است که او به مذاکره‌کنندگان پیشین نیز روشن ساخته است که «اگر قرار باشد ایران از حق غنی‌سازی خود دست بکشد، این اتفاق یا باید پس از مرگ من بیفتد، یا من باید از رهبری کنارگیری کنم.»

با این حال، ترامپ اخیراً در پستی اعلام کرده است: «تحت توافق احتمالی ما – ما اجازه هیچ غنی‌سازی اورانیوم را نخواهیم داد!»

یک رامحل نوآورانه برای رفع این اختلاف که به بن‌بست در مذاکرات منجر می‌شود، پدید آمده است. مشخص نیست چه کسی اولین بار این ایده را مطرح کرده است. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، می‌گوید که میانجی‌های عمانی پیشنهاداتی را ارائه کرده‌اند که موانع را از بین برده است. گزارش‌های دیگر ایران را صاحب ایده می‌دانند. برخی دیگر می‌گویند این ایده توسط عمان پیشنهاد شده و آمریکا آن را پذیرفته است.

ایده این است که ایران به عربستان سعودی و امارات متحده عربی در یک کنسرسیوم غنی‌سازی هسته‌ای بپیوندد. در برخی نسخه‌ها، سایر شرکای منطقه‌ای نیز در این کنسرسیوم حضور خواهند داشت. چنین کنسرسیومی می‌تواند پارادوکس ایجاد شده توسط خواست آمریکا مبنی بر کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران و اصرار ایران بر این که هرگز از غنی‌سازی اورانیوم دست نخواهد کشید، را حل کند. اجزای فرآیند غنی‌سازی در کشورهای مختلف توزیع خواهند شد به طوری که هر کشور بخشی را در اختیار داشته باشد اما هیچ کشوری تمام اجزاء را به طور کامل در اختیار نداشته باشد. ایران می‌تواند اورانیوم غنی‌شده خود را داشته باشد، اما نمی‌تواند اورانیوم را به طور کامل غنی کند.

این طرح پتانسیل برآورده کردن دو هدف آمریکا و شرکای آن را دارد. یک کنسرسیوم منطقه‌ای نه تنها می‌تواند از ورود ایران به فرآیند کامل غنی‌سازی جلوگیری کند، بلکه اعطای عضویت به عربستان سعودی در کنسرسیوم غنی‌سازی ممکن است نیاز احساس شده عربستان سعودی برای غنی‌سازی مستقل اورانیوم را تسکین دهد و به این ترتیب به حل تهدید اشاعه منطقه‌ای کمک کند.

ایده یک کنسرسیوم هسته‌ای قدیمی‌تر از جمهوری اسلامی ایران است. باربارا اسلاوین، پژوهشگر برجسته در مرکز استیمسون، به RS گفت که این پیشنهاد توسط آمریکا به شاه ارائه شده بود. اغلب فراموش می‌شود که این آمریکا بود که برای اولین بار پیشنهاد توسعه برنامه هسته‌ای ایران را مطرح کرد. هنری کیسینجر، وزیر امور خارجه وقت، گفت که این برنامه «نیازهای فزاینده اقتصاد ایران را تأمین می‌کند و ذخایر نفتی باقی‌مانده را برای صادرات آزاد می‌کند»، و اسناد محرمانه نشان می‌دهند که دولت فورد «برنامه‌های ایران برای ساخت یک صنعت عظیم انرژی هسته‌ای را تأیید کرده بود.»

فرانک فون هیپل، فزیکدان دانشگاه پرینستون، به RS گفت که نسخه‌های زیادی از ایده کنسرسیوم هسته‌ای وجود داشته است. ایران حتی پیش‌زمینه‌های این ایده را در گذشته مطرح کرده است. در سال ۲۰۰۵، حسن روحانی، مذاکره‌کننده ارشد هسته‌ای وقت ایران، پیشنهاد داد که فناوری غنی‌سازی ایران را با سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس به اشتراک بگذارد. در همان سال، محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور وقت، به سازمان ملل متحد گفت که ایران «آماده است در اجرای برنامه غنی‌سازی اورانیوم در ایران با... سایر کشورها مشارکت جدی داشته باشد.»

نمونه مدرن این ایده مشابه طرحی است که اولین بار توسط فون هیپل و سید حسین موسویان، مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای ایران، در مقاله‌ای در سال ۲۰۲۳ در نشریه «بولتن دانشمندان اتمی» پیشنهاد شد که استدلال می‌کرد یک کنسرسیوم چندملیتی در خاورمیانه می‌تواند اطمینان حاصل کند که اورانیوم تنها برای مقاصد صلح‌آمیز تولید می‌شود. فون هیپل می‌گوید که این ایده از کنسرسیوم غنی‌سازی اورنکو (URENCO) در سال ۱۹۷۱ متشکل از آلمان، هالند و بریتانیا و همچنین کنسرسیوم ABAAAC برزیل و ارجنتاین الهام گرفته شده است. در کنسرسیوم اورنکو، یک کشور

سانتریفیوژها را می‌سازد، یک کشور سانتریفیوژهای نسل بعدی را طراحی می‌کند و کشور سوم میزبان دفتر مرکزی است.

او می‌گوید مزیت این است که یک کنسرسیوم به کارشناسان هسته‌ای هر کشور اجازه می‌دهد تا «از تأسیسات یکدیگر بازدید کنند تا مطمئن شوند که فعالیت‌ها صلح‌آمیز هستند.» او اضافه می‌کند که «تصمیماتی که ممکن است پیامدهای اشاعه‌ای داشته باشند، توسط دولت‌های [شریک] گرفته می‌شوند.» نظارت دقیق عربستان سعودی، امارات و ایران همگی به آژانس بین‌المللی انرژی اتومی کمک می‌کنند تا اطمینان حاصل شود که برنامه صلح‌آمیز است. پرسش کلیدی همیشه این بوده که آیا ایران اجازه خواهد داشت که اورانیوم را در خاک خود غنی‌سازی کند یا خیر. و اکنون هیچ چیز تغییر نکرده است. موسویان می‌گویند که مذاکرات هسته‌ای با ایران زمانی شکست خورده است که حق این کشور به عنوان امضاءکننده معاهده عدم اشاعه هسته‌ای (NPT) برای غنی‌سازی صلح‌آمیز اورانیوم انکار شده است، و زمانی موفق بوده است که این حق اعطا شده است. سؤال کلیدی کنونی در مذاکرات این است که آیا ایران اجازه خواهد داشت که اورانیوم را در خاک خود غنی‌سازی کند. از زمان انتشار خبر کنسرسیوم، پاسخ به این سؤال در یک نوسان گزارش‌دهی به جلو و عقب رفته است.

گزارش‌های اولیه، در ۱۳ می، حاکی از آن بود که ایران به غنی‌سازی اورانیوم ادامه خواهد داد اما سقفی را در ۳.۶۷ درصد غنی‌سازی مورد نیاز برای یک برنامه انرژی هسته‌ای خواهد پذیرفت.

چند روز بعد، گزارش‌ها تغییر کرد. آکسیوس گزارش داد که آمریکا خواهان قرار گرفتن تأسیسات غنی‌سازی در خارج از ایران است. نیویورک تایمز گزارش داد که سندی که آمریکا به ایران داده است «خواهان توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران است.»

تا ۲ جون، گزارش‌ها دقیق‌تر شدند. آکسیوس گفت که پیشنهاد آمریکا «اجازه غنی‌سازی محدود اورانیوم در سطح پائین در خاک ایران را برای یک دوره زمانی نامشخص می‌دهد.» در همین حال، رویترز همچنان گزارش می‌داد که آمریکا از ایران «خواهان تعهد به کنار گذاشتن غنی‌سازی اورانیوم» است.

رویترز اعلام کرد که در نتیجه انکار حق غنی‌سازی، «ایران در حال تهیه پاسخ منفی به پیشنهاد آمریکا است.» روز بعد، آکسیوس گزارش داد که به گفته یک مقام ارشد ایرانی، «اگر کنسرسیوم در داخل خاک ایران فعالیت کند، ممکن است قابل بررسی باشد. با این حال، اگر در خارج از مرزهای کشور باشد، قطعاً محکوم به شکست است.» به گفته آکسیوس، «این پیشنهاد به وضوح مشخص نمی‌کند که کنسرسیوم در کجا قرار خواهد گرفت.» نیویورک تایمز نیز با این موضوع موافق بود، اما اضافه کرد که «ایالات متحده گفته است که نمی‌تواند در ایران باشد.» بخشی از این سردرگمی بدون شک به این دلیل بود که سندی که آمریکا به ایران تحویل داد، یک متن کاملاً توسعه یافته نبود، بلکه «ایده‌های مقدماتی» بود که در مذاکرات آینده مورد بحث قرار گیرد. علاوه بر این، مقامات ایرانی می‌گویند این پیشنهاد «در بسیاری از مهمترین مسائل مبهم است» و عراقی می‌گوید که «بسیاری از مسائل... نامشخص هستند» و «ابهامات زیادی» وجود دارد.

اما بخشی از این سردرگمی ممکن است به دلیل گزارش‌دهی ناقص باشد. با کنار هم گذاشتن قطعات، الگویی آشکار می‌شود که به نظر می‌رسد این پارادوکس را حل می‌کند. گزارش‌های مربوط به ادامه غنی‌سازی، مربوط به یک دوره موقت است؛ گزارش‌های مربوط به عدم غنی‌سازی، مربوط به هدف نهایی است.

در ۳ جون، تایمز گزارش داد که در حالی که تأسیسات غنی‌سازی در کشورهای دیگر ساخته می‌شوند، ایران می‌تواند به غنی‌سازی سطح پائین ادامه دهد، که با راه‌اندازی تأسیسات جدید متوقف خواهد شد.

مشکل این است که ایران بعید است با پیوستن به کنسرسیومی که آن را از غنی‌سازی در خاک خود منع می‌کند، موافقت کند. یک راحل ممکن، که توسط فون هیپل، موسویان و همکارانشان در پرینستون پیشنهاد شده است، این است که به ایران اجازه غنی‌سازی داده شود اما نه در خاک خودش. در این طرح، ایران سانتریفیوژها را می‌سازد و آنها را به یک کشور شریک ارسال می‌کند، جایی که تکنسین‌های ایرانی آنها را به کار می‌اندازند.

راحل دیگر، که اولین بار حدود یک دهه پیش توسط فون هیپل پیشنهاد شد و اکنون گزارش شده است که در حال بحث است، ساخت تأسیسات غنی‌سازی در جزیره‌ای در خلیج فارس است. ایران اصرار خواهد داشت که این جزیره یکی از جزایر متعلق به ایران باشد، که به امریکا اجازه می‌دهد اصرار کند که اورانیوم در خاک ایران غنی‌سازی نمی‌شود، در حالی که ایران می‌تواند اصرار کند که غنی‌سازی در خاک خودش انجام می‌شود.

ایران احتمالاً پیشنهادی را که بر تسلیم حق غنی‌سازی آن اصرار دارد، رد خواهد کرد، هم به این دلیل که، همانطور که اسلاوین به RS گفت، ایران بحق به منابع خارجی بی‌اعتماد است، و هم به این دلیل که، همانطور که موسویان به من گفت، انکار حقی که به هر امضاکننده دیگر NPT اعطا شده است، «یک تحقیر ملی» محسوب می‌شود.

توانایی مذاکره بر سر این جزئیات در کنسرسیوم احتمالاً تعیین خواهد کرد که آیا پیشنهاد کنسرسیوم مذاکرات را نجات می‌دهد یا خیر.